

## رسول پویان

### آهنگ فریاد

دام بگسستم ولی در بند صیادم هنوز  
لب فروبستم ولی آهنگ فریادم هنوز  
در هوای دادخواهی رستم از بند ستم  
باز با طرز دیگر در قید بیدادم هنوز  
خواستم از کوره آهنگران بیرون پریم  
زیر پتک کورماشین مثل پولادم هنوز  
گرچه از نوک زبان خامه ام زر میچکد  
کس نداند ارزشم؛ محتاج امدادم هنوز  
میهنم ویرانه گشت و لانه ام آتش گرفت  
زین سبب آواره و بیچاره افتادم هنوز  
یک وجب خاکی ندیدم تا بسازم لانه بی  
چون پرستوی مهاجر خانه بریادم هنوز  
گرچه غمپرورده خون و سرشک و آتشم  
با دل تنها درین غربت سرا شادم هنوز  
هر قدر احساس قید و بند زندان می کنم  
در دل زنجیر هستی مست و آزادم هنوز  
عشق رادر سینه پروردم ولی حاصل نداد  
داستان کهنه مجنون و فرهادم هنوز  
نوبهاران حیاتم سر به سر پاییز گشت  
تا کنون در انتظار صبح خردادم هنوز  
نقش های سینه تاریخ را از نو کشم  
غرق ارژنگم و محو طرح بهزادم هنوز  
آتش پاکان نسوزاند تن آزادگان  
قصه و افسانه هایی زین سخن یادم هنوز  
گرچه می بارد تبر در ریشه فرهنگ باغ

عاشق گلوژگان اصل و بنیادم هنوز  
فرستی نامد که بگشایم معمای وجود  
همچو گنج بسته یی درگیر اضدادم هنوز

2016/1/28